یک کتاب، دو نویسنده: عزاداران بیل نوشته غلامحسین ساعدی به روایت احمد غلامی و سعید رضوانی

ژئوپلتیکِ ادبیات

احمد غلامی: «عزاداران بیل» شاید به‌واسطه فیلم «گاو» که براساس اقتباس از یکی از بخش‌های این کتاب ساخته شده است، مشهورترین اثر غلامحسین ساعدی است. اگرچه این فیلم موجب شهرتِ جهانی بیشتری برای ساعدی شد، اما برای اهالی ادبیات که به‌میانجیِ «ادبیات» به جهان متصل می‌شوند نه سینما، فیلم «گاو» با داستانِ «عزاداران بیل» تفاوت‌های عمده‌ای دارد. چراکه مهم‌ترین خصیصه داستان‌های «عزاداران بیل»، در فیلمِ «گاو» از دست رفته است و آدم‌ها صورت‌مند شده‌اند. در رمَان «عزاداران بیل» به‌ندرت عناصری پیدا می‌شود در وصف چهره‌های آدم‌های داستان، و همه بی‌صورت‌اند. «عزاداران بیل» همچون داستان‌های ساعدی نثری عریان دارد و خواننده خود باید همه چهره‌ها و فضاها را تصور کند که این خصیصه در سینما از بین رفته است، گرچه عناصر دیگری در فیلم هست خاصه حضور «بلوری‌ها» یا وهمِ آن، که تا حدی فیلم را به ماهیتِ داستان ساعدی نزدیک می‌کند. درباره «عزاداران بیل» ساعدی با دکتر سعید رضوانی به گفت‌وگو نشسته‌ایم که می‌خوانید.

احمد غلامی: بحثم را از تضادی که در دل داستان‌های غلامحسین ساعدی وجود دارد آغاز می‌کنم. قبل از پرداختن به این تضاد، باید بگویم ساعدی به نسلی از نویسندگان تعلق دارد که روستا در آثارشان نقشی حیاتی بازی می‌کند. البته بهتر است بگوییم روستا و شهرهای حاشیه‌ای پایتخت. در برخی آثار این نویسندگان، روستا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم حضور دارد. نویسندگانی همچون ابراهیم گلستان، جلال آل‌احمد، ساعدی، احمد محمود و محمود دولت‌آبادی. شاید یکی از دلایل رویکرد نویسندگان به روستا، نسبت جمعیت روستا به شهر بوده است، اینکه هنوز شهرنشینی و شهر، به وجه غالب زندگی مردم ایران درنیامده بود، و دیگر اینکه روستا مکانِ مناسبی برای این دسته از نویسندگان بود که اغلب رویکردی جامعه‌شناختی و سیاسی داشتند. جالب اینکه گلستان، ساعدی و جلال آل‌احمد، با اینکه جزو نویسندگان مدرن ایران محسوب می‌شوند و زیرساخت‌های فکری آنها مدرن و شهری است اما چنان با مهارت درباره روستا می‌نویسند که دشوار بتوان تشخیص داد که این روایت‌های روستایی تجربه زیسته آنان است یا نه. جلال آل‌احمد در «نفرین زمین» این‌گونه است، ابراهیم گلستان در «خروس» و ساعدی خاصه در «ترس و لرز» و «عزاداران بیل».

اما در این میان حکایت ساعدی حکایت دیگری است. ساعدی از روستا «جغرافیا-مفهوم» می‌سازد. این جغرافیا-مفهوم یعنی چه؟ یعنی روستا، روستاست با همه مشخصه‌های ساده و واقعی یک روستا و مردمش. اما حوادثی که در این روستاها رخ می‌دهد، مازادی فراتر از جغرافیا و واقع‌گرایی روستایی دارد و آن مازاد، برداشتِ مدرنی است که از وقایع و حوادث ...

...

باری، «عزاداران بیل» را در زمره ادبیات روستایی قرار دادن، مانند آن است که بگوییم «قصر» کافکا ادبیات روستایی است، چون همه وقایع آن در روستا اتفاق می‌افتد. مطمئنم با من موافق‌اید که «قصر» را نمی‌توان ادبیات روستایی به‌شمار آورد. ضمنا مثال «قصر» را اتفاقی نیاوردم، بلکه می‌خواستم آغازی باشد بر طرح پاره‌ای نکات تطبیقی، یعنی مقایسه «عزاداران بیل» با آثار کافکا. در ادامه به این مقایسه خواهم پرداخت.

احمد غلامی: این بخش از بحث من شاید نکته تازه‌ای نداشته باشد و توضیحی بر گفته‌های شماست که امیدوارم اشتباه برداشت نکرده باشم. با اشتیاق منتظر مقایسه تطبیقی شما از «عزاداران بیل» با «قصر» کافکا هستم. اما قبل از آن ضرورت دارد بگویم باور ندارم آثار نویسندگانی که نام بردم به‌استثنای دولت‌آبادی «ادبیات روستایی» است. گفتم و توضیح دادم چرا آنان جغرافیای روستا را برای کارهایشان برگزیده‌اند و این گزینش به‌معنای انتخابی آگاهانه است. ببینید، غلامحسین ساعدی با اینکه در شهر به دنیا آمده است و پدرش کارمند است، اما در زمانی که عضو سازمان مخفی فرقه دموکرات می‌شود، برای کارهای سیاسی و تبلیغی به روستا می‌رود تا مردم را علیه اربابان تهییج کند. خود ساعدی باور دارد فرقه دموکرات یک نهضت دهقانی است. او در گفت‌وگویی می‌گوید برای این نهضت دهقانی به روستای فقیری می‌رود به نام پینه شالوار. ببینید منظورم این است که این رابطه ساعدی با روستاست. یقینا «عزاداران بیل»، به‌خصوص «ترس و لرز»، در زمره آثار ادبیات روستایی که ما می‌شناسیم نیستند. ... که می‌تواند بین ما مناقشه‌برانگیز باشد این است؛ به ... «عزاداران بیل» داستانی رئالیستی است که می‌شود از آن ... سورئالیستی یا حتی وهم‌انگیز هم کرد. اما اگر آثار ... را از بافت رئالیستی‌اش جدا کنیم، لطمه جبران‌ناپذیری ... های او خواهیم زد، چراکه اصلا ویژگی منحصربه‌فرد ... ی در این است که با وفاداری به رئالیسم، سویه‌ها یا ... دهای غیررئالیستی دارد. با شما صراحتا مخالفم. ... صیت‌های داستان «عزاداران بیل» عین‌به‌عین دارای ... ها و ویژگی‌های آدم‌های روستایی هستند. خشونت ... پسر مشدی صفر، بزدلی مشدی بابا و عقل منفصل ... لام و بی‌خاصیت‌بودن کدخدا که هم بزرگ دِه است و ... ز دستش برنمی‌آید. ببینید حتی موسرخه که به بیماری ... چار شده است -که این شخصیت در آثار دیگر ساعدی ... می‌شود- کارهایش بیشتر از همه آدم‌های دیگر داستان سویهٔ غیررئالیستی دارد و به سبک‌های دیگر بیشتر قابل تعمیم است، ازجمله داستان‌های رئالیسم جادویی، باوجوداین هرگز از بافت رئالیستی خود خارج نمی‌شود. فقط باید گفت گهگاه پرخوری‌اش از حد و اندازه داستان‌های واقع‌گرا تجاوز می‌کند که آن‌هم ...

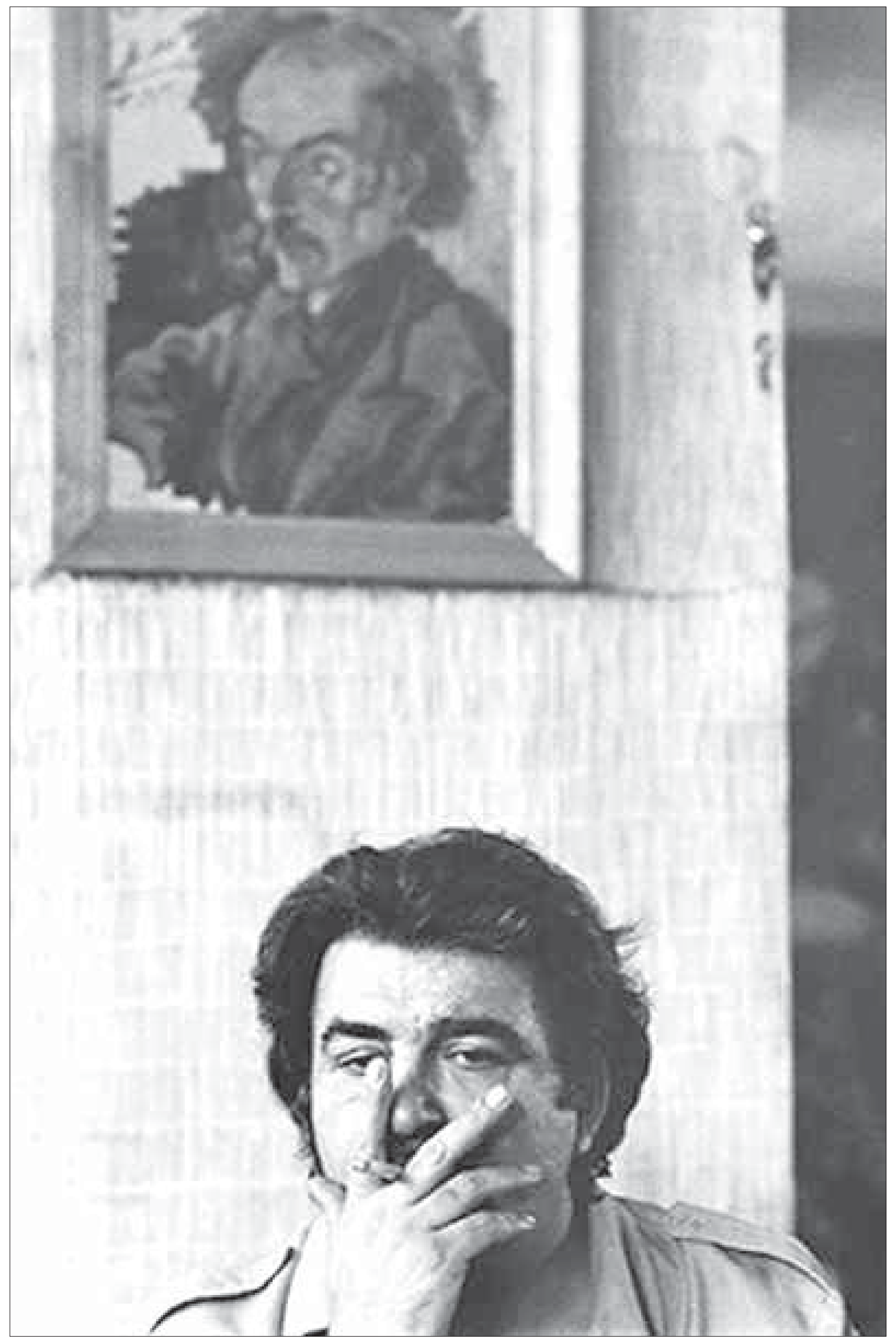

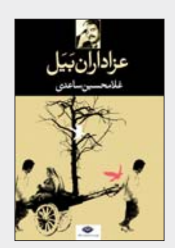

عزاداران بیل

غلامحسین ساعدی

نشر نگاه

نگاه

یادداشتی بر مجموعه شعر «قتل عام» اثر حامد بشارتی

تصاویر مخیل

مزدک پنجه‌ای

مجموعه شعر «قتل عام» دومین کتاب شعر حامد بشارتی است که توسط انتشارات حکمت کلمه در سال ۱۳۹۹ به قیمت ۲۰ هزار تومان منتشر شده است. برخلاف نام این مجموعه که تداعی‌گر شعرهایی با رویکرد سیاسی- اجتماعی است اما لحن و فضای شعرها بیشتر از آنکه اعتراضی باشند، مهربان، صمیمی و عاشقانه هستند. در واقع بیان «حسرت» بیشترین کارکرد لحنی این مجموعه را دارد.

حامد بشارتی شاعری است که شعرش بر پاشنه تصاویر مخیل می‌چرخد. او شاعری طبیعت‌محور و تغزل‌گراست. شاعری که زبان شعرهایش ساختاری ساده دارند و سرشار از احساس هستند. او برای آنکه مدرنیته را در شعرهایش به نمایش بگذارد، مدام از فضای شهری به روستایی در حرکت است، ابزارهای او اما اشیائی است که بیشتر در روستا استفاده می‌شوند. او روایتگر فرهنگ روستایی نیست، بلکه شعرهای او مانند دوربینی عمل می‌کند که مخاطب را در مقابل تصاویری بکر از طبیعت زادگاهش قرار می‌دهد. شعر او فارغ از این خصیصه، نیازمند نگاهی است که متفاوت از دیگران نشانش دهد، چیزی که سهراب سپهری یا نیما را از شاملو و فروغ متفاوت می‌کرد.

در واقع شاید شعر او نیازمند تشخص زبانی نیز هست. فراروی از کلیشه‌های تکنیکی! برخورد او با زبان جسارت‌آمیز نیست، به نظر شاعری است که از میزان ریسک‌پذیری بسیار پایینی در ارائه تجربه‌های فرمی و زبانی برخوردار است. شعر او به‌شدت هنجارمند است. او نمایشگر فرهنگ زادبومی نیست، بلکه راوی لوکشین‌هایی است که بسیار بکر هستند و شعرش پر از فِرم‌هایی از طبیعت است که چون عکاسی چیره‌دست مخاطب را با تصاویر مسحورکننده مواجه می‌کند، تصاویر بکر و ناب، شبیه آنچه در فیلم‌های عباس کیارستمی می‌توان سراغ

قتل عام

حامد بشارتی

انتشارات حکمت کلمه

گرفت. قطعاتی از بهشت که چشم را به شگفتی وامی‌دارد.

«برای این علف‌زار/ که اسبی سیاه در دلش نشسته/ تو را صدا زدم/ برای این علف‌زار که شقایقی به موهایش بسته و از کوه بالا می‌رود/ تو را صدا زدم/ مه نمی‌گذاشت نزدیک‌تر از یال اسب به آوندهای گیاه بینمت/ مه نمی‌گذاشت/ نمی‌گذاشت/ از ...

...

مرور

نگاهی به کتاب «طاقت زندگی و مرگم نیست» اثر مویان

تناسخ‌های پی‌درپی

ماهان سیارمنش

گوان موئه که در سال ۱۹۵۵ در خانواده‌ای رعیت به دنیا آمد، یازده‌ساله بود که انقلاب فرهنگی شروع شد. مدرسه را ترک کرد و ابتدا به کار در مزارع و بعدها در کارخانه مشغول شد و به سال ۱۹۷۶ به ارتش پیوست. آنجا نوشتن را شروع کرد و برای یاد و خاطره پدرش که به او هشدار داده بود بیرون از خانه افکارش را بیان نکند، اسم مستعار مویان را اختیار کرد («او نمی‌تواند صحبت کند»). او که عمدتا با رئالیسم سوسیالیستی چینی پرورش یافته بود، دایره مطالعاتی‌اش را وسیع‌تر کرد. علاقه‌ای بسیار نسبت به روایت‌های بومی لو شون پیدا کرد؛ از قبیل «سفر به غرب» و با نویسندگان غربی هم آشنایی پیدا کرد. در سخنرانی نوبل ادبیاتش به سال ۲۰۱۲ گفت:

«در طول ایجاد قلمروی ادبی‌ام، بخش شمال شرقی گائومی، بسیار از نویسنده آمریکایی ویلیام فالکنر و نویسنده کلمبیایی، گابریل گارسیا مارکز الهام گرفتم. خیلی آثارشان را نخوانده بودم، اما روش شجاعانه و مهارناپذیری را که در نوشتن برگزیده بودند، تشویقم کرد و از آنها یاد گرفتم که یک نویسنده باید جایی تماما مختص به خود داشته باشد... اگرچه تعداد کمی از آثارشان را خوانده بودم، چند صفحه برایم کافی بود تا درک کنم که چه می‌کردند و چگونه انجامش می‌دادند و مرا واداشت که درک کنم چه باید بکنم و چگونه باید انجامش دهم».

رمان سال ۲۰۰۶ او، به نام «طاقت زندگی و مرگم نیست» متکی به این سرچشمه‌ها و حتی بیشتر از این‌ها است؛ چنانکه داستان حماسی تاریخ چین را از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۰۰ ازمنظر انسانی و حیوانی شرح می‌دهد. این رمان، داستان جنبش تعاونی زراعی در دهه ۵۰ را هنگام انقلاب فرهنگی در بر می‌گیرد تا که ...

طاقت زندگی و مرگم نیست

مو یان

ترجمه مهدی غبرایی، سحر قدیمی

نشر ثالث

...